

فصلنامه علمی-پژوهشی آیین حکمت

سال یازدهم، بهار ۱۳۹۸، شماره مسلسل ۳۹

بررسی دیدگاه علامه طباطبائی و استاد مصباح یزدی دربارهٔ عوارض ذاتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۱۷

تاریخ تأیید: ۱۳۹۶/۶/۳۱

اکبر اسدپور *

یارعلی کرد فیروزجایی **

منطق‌دانان و حکیمان اسلامی معتقدند هر علمی دارای موضوعی است که در آن علم از عوارض ذاتی آن موضوع بحث می‌شود، اما در تبیین چیستی عوارض ذاتی با یکدیگر اختلاف دارند. علامه طباطبائی بحث از عوارض ذاتی را در علوم برهانی حقیقی دانسته، پیوندی وثیق میان ذاتی بودن مقدمات برهان و بحث از عوارض ذاتی در علوم برهانی برقرار کرده است؛ لیکن استاد مصباح یزدی ذاتی بودن مقدمات برهان را به معنای بستن بودن محمولات آنها برای موضوعاتشان دانسته، همچنین معتقد است بحث از عوارض ذاتی مبتنی بر اعتباری است که برای تمایز و طبقه‌بندی علوم صورت گرفته است. این نوشتار با روشی عقلی - تحلیلی به بررسی و نقد دیدگاه علامه طباطبائی و استاد مصباح دربارهٔ عوارض ذاتی پرداخته است. نگارنده هرچند دیدگاه استاد مصباح

* کارشناس ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه باقرالعلوم (ع).
 ** دانشیار دانشگاه باقرالعلوم (ع).

را درباره اعتباری بودن عوارض ذاتی پذیرفته، معتقد است ذاتی بودن مقدمات برهان متأثر از بحث عوارض ذاتی در علوم برهانی است؛ یعنی شرط ذاتی بودن مقدمات برهان و عوارض ذاتی در علوم برهانی در یک راستا معنا می‌شوند.

واژگان کلیدی: ذاتی، عرض ذاتی، علامه طباطبائی، استاد مصباح یزدی.

مقدمه

منطق دانان و حکمای اسلامی به پیروی از ارسطو، موضوع علم را یکی از ارکان علم می‌دانند و معتقدند هر علمی دارای موضوعی است که در آن علم از عوارض ذاتی آن موضوع بحث می‌شود (ارسطو، ۱۳۶۶: ۲۱؛ ابن‌سینا، ۱۳۸۳، ج ۱: ۲۹۸؛ صدرالمآلهین، ۱۳۸۲: ۱۴۶)، اما در تبیین چیستی عوارض ذاتی و رابطه آنها با موضوع، آرای مختلفی ارائه کرده‌اند. برخی عوارضی را ذاتی می‌دانند که بدون هیچ واسطه‌ای بر موضوع حمل شود (طباطبائی، ۱۳۷۱: ۱۶۸) و برخی دیگر معتقدند آنچه با عوارض ذاتی منافات دارد، واسطه اعم یا اخص است (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۲۸). از طرف دیگر، برخی عوارض ذاتی را مساوی با موضوع علم دانسته (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۳۱، ح ط) و برخی دیگر، محمول‌های خاص را نیز جزء عوارض ذاتی شمرده‌اند (ابن‌سینا، ۱۳۷۹: ۴۹۵؛ صدرالمآلهین، بی‌تا: ۱۱؛ جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۲۴). علامه طباطبائی بحث از عوارض ذاتی را در راستای دستیابی به یقین منطقی تحلیل کرده و میان ذاتی بودن مقدمات برهان و بحث از عوارض ذاتی در علوم برهانی، پیوندی وثیق برقرار کرده است. بنا بر دیدگاه ایشان، عوارض ذاتی مساوی با موضوع علم بوده، بدون هیچ واسطه‌ای بر آن حمل می‌شوند؛ لیکن برخی دیگر از اندیشمندان همچون استاد مصباح، بحث از عوارض ذاتی را در راستای اعتبار تمایزبخشی علوم می‌دانند و این بحث را اعتباری

می‌شمرند. در این نوشتار به نقد و بررسی دیدگاه این دو اندیشمند پرداخته‌ایم.

۱. دیدگاه علامه طباطبائی

دیدگاه علامه دربارهٔ اعراض ذاتی مشتمل بر بخش‌های زیر است:

۱-۱. حقیقی بودن بحث عرض ذاتی

علامه طباطبائی بحث از اعراض ذاتیه را در علوم برهانی مبتنی بر اصطلاح و اعتبار صرف ندانسته، بلکه علت طرح بحث را مقتضای برهان در علوم برهانی می‌داند. مرحوم علامه در تعلیقه بر *اسفار می‌فرماید*: قیاس برهانی، قیاسی است که یقین به نتیجه تولید می‌کند و یقین مرکب از دو علم است: ۱. علم به ثبوت محمول برای موضوع؛ ۲. علم به عدم امکان سلب محمول از موضوع.

برای اینکه چنین یقینی از برهان حاصل شود، مقدمات آن باید چهار ویژگی ضرورت، کلیت، دوام و ذاتیت را داشته باشند (*صدرالمآلهین، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۳۰، ح ط*). ایشان ذاتی بودن مقدمات برهان را به طور مستقیم با تحصیل یقین منطقی مرتبط دانسته است. نکته اساسی برای فهم کلام علامه، توجه به ذاتی بودن مقدمات برهان است. با روشن شدن این مطلب می‌توان به ارتباط میان ذاتی بودن مقدمات برهان و بحث از عوارض ذاتی در علوم برهانی پی برد؛ بنابراین، ابتدا مراد ایشان را از ذاتی بودن مقدمات برهان شفاف می‌کنیم و بعد از آن با بیان خصوصیات عرض ذاتی، به طرح دیدگاه ایشان در این باره می‌پردازیم.

۱-۲. معیار ذاتی بودن مقدمات برهان

علامه در تعریف ذاتی باب برهان می‌فرماید: «مقدمة البرهان، یجب ان یکون ذاتیة المحمول للموضوع، و نعی بالذاتی، ما یرض و یحمل علی الشیء بالحقیقة لا مجازا» (*طباطبائی، ۱۳۷۱: ۱۶۸*). ایشان در تعلیقه بر *اسفار* نیز می‌فرماید: «و أن تكون

(أی المقدمة الیقینیة) ذاتیة المحمول للموضوع، أی بحیث یوضع المحمول بوضع الموضوع و یرفع برفعه مع قطع النظر عما عداه» (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱م، ج: ۱، ص: ۳۰، ح ط). ذاتی بودن محمول برای موضوع بدین معناست که محمول دایر مدار موضوع باشد؛ یعنی ذات موضوع به تنهایی و بدون لحاظ هیچ حیثیت زایدی برای عروض محمول کفایت کند. در این صورت، محمول بدون هیچ شائبه مجاز و کذب بر موضوع عارض و وصف حقیقی آن شمرده می شود. اگر معنای ذاتی به خوبی درک شود، لازمه ذاتی بودن محمول برای موضوع آن است که وضع و رفع محمول کاملاً مبتنی بر موضوع است؛ به گونه ای که با وضع موضوع، محمول وضع می شود و با رفع آن، محمول مرتفع می گردد (طباطبائی، ۱۳۶۸: ۶)؛ زیرا اگر با وضع موضوع، محمول رفع شود یا با رفع موضوع، محمول وضع شود، یقین حاصل نمی گردد. برای مثال، وقتی گفته می شود «جسم حساس است»، حساس اخص از جسم است؛ از این رو، برای عروض حساس بر جسم، تنها وضع موضوع کافی نیست؛ لذا با وضع موضوع (جسم)، محمول (حساس) می تواند مرفوع باشد؛ پس حساس، محمول ذاتی جسم نخواهد بود. همچنین اگر گفته شود «انسان متحرک است»، متحرک اعم از انسان است؛ از این رو، برای عروض متحرک بر انسان به قید ناطقیت که در انسان مأخوذ است، نیازی نیست؛ بنابراین، آن قید لغو است و در عروض نقشی ندارد و به همین دلیل، با رفع موضوع (انسان)، محمول (متحرک) می تواند ثابت باشد؛ پس متحرک، محمول ذاتی انسان نخواهد بود.

۳-۱. خصوصیات عرض ذاتی

با توجه به معیاری که از مرحوم علامه درباره محمول ذاتی ارائه کردیم، می توان ویژگی های زیر را برای اعراض ذاتی برشمرد:

الف) محمول ذاتی بدون هیچ واسطه‌ای بر موضوع علم حمل می‌شود؛ زیرا اگر محمول، به خاطر امری اعم بر موضوع حمل شود، خصوصیت ملحوظ در جانب موضوع لغو است و حکم با لحاظ این خصوصیت، از نظر نفس الامری کاذب است، و هرگاه محمول به خاطر امری مساوی با موضوع بر آن حمل شود، در واقع و نفس الامر محمول متعلق به آن واسطه است. همچنین هرگاه محمول به خاطر امری اخص از موضوع بر آن حمل شود، اخذ خصوصیت در موضوع، لازم و حکم بدون آن خصوصیت کاذب است (طباطبائی، ۱۳۷۱: ۱۶۸). البته باید توجه داشت که مراد از واسطه، آن چیزی است که خود به تنهایی در تعریف محمول اخذ شود، اما هرگاه واسطه‌ای به همراه موضوع علم در تعریف محمول اخذ شود، آن محمول از اعراض ذاتی موضوع به شمار می‌آید (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۳۱، ح ط).

ب) بنا بر آنچه در بند الف گفتیم، عرض ذاتی باید با موضوع مساوی باشد؛ زیرا اگر عرض ذاتی اعم از موضوع باشد، قید و خصوصیت موضوع در عرض ذاتی نقش نخواهد داشت و اگر اخص باشد، مجرد وضع موضوع برای عروض آن کفایت نمی‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۱: ۱۶۸).

ج) از نظر مرحوم علامه، احوالی که اخص از موضوع‌اند، با مقابلشان به صورت مردد، محمول ذاتی واحدی را برای موضوع اعم تشکیل می‌دهند؛ چنان‌که هر یک از آنها، عرض ذاتی حصه‌ای از موضوع اعم هستند؛ زیرا آنچه در حد هر یک اخذ می‌شود، خصوص آن حصه‌ای است که بر آن عارض می‌گردد و موضوع اعم در حد مجموع مردد اخذ می‌شود (صدرالمآلهین، ۱۹۸۱م، ج ۱: ۳۰، ح ط).

د) تحلیل ارائه شده در خصوص عرض ذاتی، گویای پیوند ذاتی میان موضوع

و محمولات ذاتی است. این پیوند ذاتی و ضروری که نشان‌دهنده ربط علی و معلولی بین موضوع و محمولات ذاتی آن است، جریان برهان را در چنین علومی میسور و ممکن می‌سازد. با توجه به چنین پیوندی، موضوع قطعاً از علل وجود محمول ذاتی به شمار می‌رود.

حال از آنجا که تعریف به حد تام، متضمن همه آن چیزی است که در شیء دخیل است (اعم از مقدمات داخلی، یعنی اجزای ماهوی و علل وجود)، پس باید موضوع را در حد تام محمول ذاتی اخذ نمود؛ بنابراین، معیار و ضابطه عرض ذاتی همین است که در تعریفش به ناچار باید موضوع آن اخذ شود. اکنون اگر فرض شود محمول، خود محمول دیگری دارد و محمول اخیر نیز واجد محمول دیگری است، با توجه به ملاکی که در تمایز عرض ذاتی گفتیم، ضروری است موضوع اول در حد این محمول‌ها اخذ شود و همین‌طور این سلسله از هر طرف ادامه یابد، موضوع در تعریف محمول ذاتی آن مأخوذ است. این قضایا از یک طرف به قضیه‌ای ختم می‌شود که موضوعش، همان موضوع اول است و از طرف دیگر به قضیه‌ای می‌انجامد که موضوع اول در حد محمولش اخذ نمی‌شود (همان: ص ۳۱-۳۲، ح ط).

ه) تمامی احکام فوق مربوط به علوم برهانی است؛ زیرا محمول‌های اعتباری در خارج موجود نیستند و مطابقی برای آنها در خارج جز به حسب اعتبار و وهم نیست؛ بنابراین، حتی اگر موضوعات این قضایا اموری حقیقی و عینی باشند، محمولات آنها ذاتی برای موضوعاتشان نیستند؛ یعنی چنین نیست که با وضع آن موضوعات، محمول‌های اعتباری ثابت، و با رفع آنها مرتفع گردند؛ زیرا چنان‌که گفتیم، این محمولات در نفس الامر وجودی نداشته‌اند و بنابراین، نسبتی میان آنها

و موضوعات وجود نخواهد داشت (طباطبائی، ۱۳۶۸: ۱۰).

۲. دیدگاه استاد مصباح

با دقت در کلام مرحوم علامه روشن شد ایشان بین ذاتی بودن مقدمات برهان و بحث عرض ذاتی در علوم برهانی پیوندی وثیق برقرار کرده، از این رهگذر جایگاه بحث اعراض ذاتی را اعتبار صرف نمی‌داند. استاد مصباح معتقد است ذاتی بودن مقدمات برهان به بحث عوارض ذاتی در علوم برهانی ربطی ندارد و از همین منظر به نقد کلام علامه پرداخته است. در دنباله بحث ابتدا منظور ایشان را از ذاتی بودن مقدمات برهان شفاف کرده، سپس دیدگاه ایشان را درباره اعراض ذاتی در علوم برهانی بیان می‌کنیم.

۲-۱. ذاتی در مقدمات برهان

ایشان می‌فرماید: اینکه بحث ذاتی بودن در باب مقدمات برهان مطرح شده است، بیانگر آن است که برهان در صورتی حقیقی است که محمولات مقدمات آن برای موضوع ذاتی باشند؛ یعنی اوسط برای اصغر و اکبر برای اوسط باید ذاتی باشند، اما اینکه اکبر برای اصغر هم ذاتی باشد، لزومی ندارد؛ لیکن منطق‌دانان درباره نتیجه برهان نیز چنین شرط کرده‌اند که اکبر برای اصغر هم ذاتی باشد؛ یعنی مسائل یک علم باید قضایایی باشند که محمولات برای موضوعاتشان ذاتی باشند. سپس از آنجا که در هر علم از عوارض ذاتی موضوع آن علم بحث می‌کنند، دانشوران منطق توسعه دیگری هم داده و محمولات مسائل علم را ذاتی موضوع علم نیز دانسته‌اند. این مطلب نشان‌دهنده آن است که منطق‌دانان از بحث مقدمات برهان به بحث موضوعات علوم رسیده‌اند؛ یعنی برای اینکه محمولات مسائل علوم را برای موضوعات علوم ذاتی کنند، این توسعه را در مفهوم ذاتی داده‌اند.

(مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۱-۲: ۴۳۳-۴۳۴).

اما دلیل اینکه در مقدمات برهان باید محمول، ذاتی موضوع باشد چیست؟ شیخ‌الرئیس می‌گوید: اگر محمول، ذاتی موضوع نباشد، نمی‌تواند علت برای نتیجه باشد؛ لیکن ایشان توضیحی نداده است که مراد از علیت چیست.

ممکن است ابتدا چنین به نظر رسد که آنچه علیت دارد، اوسط است که علت ثبوت اکبر برای اصغر است و این، فقط در برهان لمی صادق است؛ اما شیخ‌الرئیس تصریح می‌کند که ذاتی بودن محمول، به «برهان لم» اختصاص ندارد، بلکه در «برهان ائی» هم جاری است. با این توضیح ظاهراً منظور از علیت، علیت برای تصدیق و علم به نتیجه است؛ یعنی مقدمات برهان باید به گونه‌ای باشند که برای علم به نتیجه علیت داشته باشند. حال برای اینکه چنین علیتی محقق شود، لازم است در مقدمات برهان، محمول برای موضوعش بین باشد.

با این تحلیل، مفاد علیت به بین بودن بازمی‌گردد و معنای محمول ذاتی این است که محمول، معلول موضوع باشد، اما لازمه این کلام این نیست که محمول نتیجه (اکبر) برای موضوع آن (اصغر) بین باشد، بلکه به وسیله برهان بین می‌شود. پس این قید که در برهان، باید محمول نتیجه (اکبر) برای موضوع آن (اصغر) بین باشد، با تحلیل شیخ‌الرئیس ثابت نمی‌شود. آنچه در برهان ضرورت دارد، این است که مقدمات، یقینی باشند و از ترکیب آنها، علم به نتیجه حاصل گردد و این، همان است که می‌گوییم اوسط باید علت تصدیق به نتیجه باشد؛ اما شرط ذاتی بودن، اماره و نشانه‌ای برای درستی برهان است؛ یعنی اینکه آیا محمولات مقدمات بین هستند یا نیستند (سلیمانی امیری، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

۲-۲. اعتباری بودن بحث از عوارض ذاتی

استاد مصباح معتقد است بحث از عوارض ذاتی ربطی به مقدمات برهان

ندارد، بلکه بر اساس اعتبارات عقلا و به دلیل تمایز و طبقه‌بندی علوم شکل گرفته است. دانشمندان ابتدا علوم را تقسیم کرده و تباین علوم را به تباین موضوعاتشان دانسته‌اند و چنین گفته‌اند که هر علمی باید از محمولی که متناسب با موضوع آن علم است، بحث کند و اگر از محمولی که اعم از موضوع علم است بحث شود، با طرح تقسیم علوم منافات پیدا می‌کند. برای مثال، شیخ‌الرئیس گفته است اگر در علم انسان‌شناسی از حرکت انسان بحث کنیم، این محمول، مناسب موضوع نیست؛ چراکه حرکت به انسان اختصاص ندارد و در اشیاء دیگر هم یافت می‌شود. پس معلوم می‌شود اینکه در علوم باید محمولات مسائل برای موضوع مسئله و موضوع علم ذاتی باشند، برای این است که طبقه‌بندی و تقسیم علوم به هم نخورد و هر علم، محدوده خود را داشته باشد.

نتیجه اینکه در صنعت برهان، ذاتی به دو معناست: یکی اینکه محمولات مقدمات باید برای موضوعاتشان ذاتی باشند که این به همان معنای بین بودن است. دیگر اینکه، محمولات مسائل برای موضوع علم، ذاتی باشند. این معنای دوم اصلاً ربطی به بحث برهان و شرایط مقدمات آن ندارد، بلکه مطلبی است که از بحث تقسیم علوم ناشی شده و قراردادی است. بهترین دلیل و نشانه بر این مدعا آن است که منطق‌دانان می‌گویند: وقتی جنس موضوع در تعریف محمول اخذ شود، نباید این جنس از موضوع علم فراتر رود. روشن است که این، یک قرارداد است و چنین شرطی در مقدمات برهان دخیل نیست. شیخ‌الرئیس در بسیاری از موارد می‌فرماید: اگر محمولی فراتر از موضوع علم برود، ذاتی نخواهد بود و مربوط به آن علم نیست؛ اما آیا می‌توان گفت اگر محمولی فراتر از موضوع علم باشد، دیگر اصلاً به درد برهان نمی‌خورد؟

روشن است که جواب این سؤال منفی است؛ زیرا بالاخره آن محمول، مربوط به علم دیگری می‌شود و ممکن است کسی در آن علم، از راه همین محمول، یقین پیدا کند. پس این شرط را که محمول باید ذاتی موضوع علم باشد، نمی‌توان از شرایط برهان قرار داد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۱-۲: ۴۳۳-۴۳۴).

۲-۳. اشکالات استاد مصباح بر کلام علامه

در تبیین کلام علامه گفتیم که ایشان می‌فرمایند: عرضی ذاتی باید با موضوع خود نسبت تساوی داشته باشد. استاد مصباح این سخن را دارای نقض می‌داند. برای مثال، تساوی با دو قائمه که از عوارض ذاتی مثلث است، اعم از آن است و بر زوایای داخلی نیم‌دایره نیز صادق است. حال طبق فرمایش علامه، این محمول نباید در هندسه ذکر شود؛ حال آنکه جای دیگری جز هندسه برای طرح این مسئله نیست. نقض دیگر آنکه، از نظر همه منطق‌دانان ذاتی مبحث برهان، اعم از ذاتی مبحث ایساغوجی است و شامل آن هم می‌شود. پس جنس و فصل هم ذاتی باب برهان محسوب می‌شوند و می‌دانیم که جنس، اعم از نوع است؛ پس لازم نیست ذاتی باب برهان، مساوی موضوع باشد (سلیمانی امیری، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

از طرف دیگر، علامه فرموده است که محمول مسئله نباید از موضوع آن اخص باشد. اگر مقصود ایشان آن است که محمول مسئله نباید اخص از موضوع آن باشد، این کلام موجه است؛ اما اگر مقصود آن است که محمول مسئله نباید اخص از موضوع علم باشد، در این صورت بسیاری از محمولات قضایای علوم از دایره ذاتیات آن خارج می‌شوند. برای مثال، در فلسفه احکامی که برای واجب ثابت می‌شود، برای ممکن ثابت نیست؛ حال آنکه تمامی این احکام از مسائل فلسفه شمرده می‌شوند. البته ممکن است برخی برای فرار از این اشکال تکلفاتی را بر خود تحمیل کنند؛ به این صورت که اگر محمول اعم باشد، در حقیقت

حصه‌ای خاص از محمول به موضوع اختصاص دارد و برای آن ذاتی است و اگر محمول اخص باشد، با مقابل خود به صورت مردد بر موضوع حمل می‌شود و با آن مساوی است؛ اما هیچ‌یک از این پاسخ‌ها افزون بر تکلف‌آمیز بودن، ریشه اشکال را حل نمی‌کند. مثلاً اقسام چهارگانه علت‌های مادی، صوری، فاعلی و غایی را چگونه می‌توان با مقابل‌هایشان مساوی موضوع فلسفه قرار داد؟ (مصباح یزدی، ۱۳۸۶، ج ۱-۲: ۴۳۱-۴۳۲).

در نهایت باید توجه داشت آنچه مرحوم علامه را به چنین رأیی رسانده، تحلیل معنای ذاتی در مقدمات برهان است. با بیان دیدگاه استاد مصباح مشخص شد بحث از عوارض ذاتی ربطی به برهانی بودن مقدمات نداشته و بر اعتبار تمایزبخشی علوم بر اساس موضوعات مبتنی است.

منطق‌دانان برای اینکه محور واحدی برای همه مسائل علم ارائه کنند، چنین شرط کرده‌اند که هر علمی باید موضوعی عام و فراگیر داشته باشد تا همه موضوعات مسائل آن علم را به نحوی پوشش دهد. حال از آنجاکه نسبت موضوع علم به موضوعات مسائل، یا نسبت کلی به جزئی است و یا نسبت کل به اجزاء، علاقه بین موضوع علم و موضوعات مسائل آن، امری برهانی نیست و با وجود این نمی‌توان به تساوی عوارض ذاتی با موضوع علم حکم کرد. کلام استاد مصباح در تعلیقه بر نهاییه چنین است:

اما آنچه استاد (علامه طباطبائی) در بیان ضرورت مساوات عارض ذاتی با معروضش ذکر کرده است، اگر تمام باشد، همانا ضرورت مساوات محمول با موضوع مسئله را ثابت می‌کند، نه مساوات محمول را با موضوع علم، و اما علاقه بین موضوعات مسائل و موضوع علم، امری برهانی نیست. پس چه بسا

موضوعات مسائل اجزای موضوع علم باشد؛ همچنان که در مسائل علم طب چنین است (مصباح یزدی، ۱۴۰۵ق: ۱۱).

۳. نقد و بررسی

با توجه به مباحثی که گذشت، مشخص شد مرحوم علامه بحث از عوارض ذاتی را در راستای تحصیل یقین منطقی طرح کرده، برای دستیابی به چنین یقینی، به تحلیل معنای ذاتی در شرایط مقدمات برهان پرداخته و بعد از آن پیوندی میان این بحث با عوارض ذاتیه در علوم برهانی برقرار کرده است. استاد مصباح با اعتباری دانستن بحث عوارض ذاتی، در نقطه مقابل اندیشه مرحوم علامه قرار می‌گیرد. در ادامه ابتدا به کلام صاحب‌نظران منطق درباره عوارض ذاتی اشاره کرده، سپس به نقد و بررسی دیدگاه مرحوم علامه و استاد مصباح در این باره می‌پردازیم.

۳-۱. دیدگاه صاحب‌نظران منطق درباره عرضی ذاتی

برای عرضی ذاتی تعریف‌های متعددی بیان شده است. در این نوشتار به دنبال بیان آن تعاریف نیستیم؛ فقط به دو عنصر اساسی در اعراض ذاتی اشاره می‌کنیم تا دیدگاه منطق‌دانان در این باره مشخص شود.

۳-۱-۱. عناصر عرضی ذاتی

الف) اقتضای موضوع نسبت به محمول: عرضی ذاتی محمولی است که ذات موضوع مقتضی محمول باشد؛ خواه ذات موضوع علت برای محمول باشد یا اینکه موضوع، معلول محمول باشد و یا اینکه هر دو آنها معلول علت دیگری باشند. قدر جامع این موارد آن است که بین موضوع و محمول در نفس الامر و خارج تلازم است.

ب) اختصاص محمول به موضوع: عرضی ذاتی محمولی است که مختص به

موضوع علم باشد. به عبارت دیگر، به خاطر امری اعم یا اخص بر آن حمل نشود؛ زیرا در این صورت عرضی ذاتی حقیقتاً برای موضوع علم نیست، بلکه برای موضوعی اعم یا اخص از موضوع خواهد بود.

شیخ‌الرئیس به این دو خصوصیت در برهان *شفا* اشاره کرده است. ایشان می‌فرماید: «فأما اذا كانت [العوارض] من الأمور اللاحقة للموضوع، التي تقتضيها ذاته و أختصت بجنسه [أي بموضوع العلم] و لزمته مطلقاً، أو على التقابل، صارت تستحق أن تسمى أعراضاً ذاتية» (ابن‌سینا، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۳۱-۱۳۲). همچنین خواجه طوسی در شرح *اشارات* می‌فرماید: «[الأعراض الذاتى] الأعراض التي يعبر عنها بما يقتضى تخصيصها بموضوعاتها فتعريفاتها بحسب أسمائها إنما يشتمل بالضرورة على اعتبار موضوعاتها» (همو، ۱۳۸۳، ج ۱: ۶۲).

با دقت در عناصر عرضی ذاتی می‌یابیم که عنصر اول در عرضی ذاتی برای تحصیل یقین منطقی است؛ اما عنصر دوم، اعتباری از ناحیه عقلاست که ربطی به برهانی بودن ندارد، بلکه مربوط به تمایز و طبقه‌بندی علوم است. بنابراین، آن دسته از محمولاتی که مختص به موضوع علم نباشند، از اعراض غریب شمرده می‌شوند؛ هرچند حمل آنها بر موضوع ضروری و یقینی باشد. برای مثال، هرگاه در علم انسان‌شناسی چنین استدلال کنیم: «انسان حیوان است. هر حیوانی ماشی است. بنابراین، انسان ماشی است»، این استدلال هرچند حد نصاب از یقین منطقی را دارد، از آنجاکه محمول (ماشی) به خاطر امری اعم (حیوان) بر موضوع حمل شده است، از اعراض غریب شمرده می‌شود. شیخ‌الرئیس بارها تصریح می‌کند که اگر محمول عرضی، اعم از موضوع علم شد، این مسئله از موضوع علم خارج می‌شود و این به یقینی بودن یا یقینی نبودن استدلال مربوط نیست

(همو، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۳۳-۱۳۴). هدف اصلی از طرح عوارض ذاتی آن است که در هر علمی از آثار مطلوبهٔ موضوع همان علم بحث شود، نه از موضوعاتی که ربطی به آن علم ندارد (همان: ص ۱۳۲).

حال که ویژگی‌های عرض ذاتی مشخص شد و دانستیم چرا در مسائل برهانی از اعراض ذاتی بحث می‌شود، به این سؤال می‌پردازیم که: چرا منطق‌دانان در مقدمات برهان شرط کرده‌اند محمول ذاتی موضوع باشد؟ و چه ارتباطی بین ذاتی بودن محمول در مقدمات برهان و بحث از اعراض ذاتی در مسائل علوم برهانی وجود دارد؟

ابن سینا می‌فرماید: اگر می‌گوییم در براهین هر علمی باید از عوارض ذاتی موضوع همان علم استفاده کنیم، بر این اساس است که می‌خواهیم براهین آن علم، برای خود آن علم باشد؛ وگرنه، چنانچه مثلاً حد وسط یک برهان در هندسه، متعلق به فلسفه باشد، این برهان حقیقتاً برای فلسفه خواهد بود، نه هندسه، و نسبت دادن آن به هندسه، بالعرض می‌شود. امکان دارد ما در یک علم از عوارض غریبه‌ای در برهان استفاده کنیم و آن استدلال هم صحیح باشد؛ یعنی مقدماتش صحیح و نتیجه‌اش نیز صادق باشد، ولی باید توجه کنیم که در این صورت، آن استدلال حقیقتاً برای این علم نخواهد بود، بلکه مربوط به علم دیگری است. به طور کلی اگر در مقدمات از عوارض غریب استفاده کنیم، از دو حال خارج نیست: یا اکبر نیز عرضی غریب است که در این صورت این مسئله در این علم مطلوب نیست. یا اکبر از عوارض ذاتی موضوع علم است که در این صورت حد وسط که عرضی غریب است، علیتی برای این نتیجه نخواهد داشت؛ یعنی معطی یقین نخواهد بود (همان: ص ۱۳۳).

با این توضیحات رابطه میان ذاتی بودن مقدمات برهان و بحث عوارض ذاتی در علوم برهانی مشخص شد. اینکه منطق دانان می‌گویند مقدمات برهان باید ذاتی باشند، به این دلیل است که در علوم برهانی می‌خواهند از اعراض مختص به موضوع علم بحث کنند. حال در این صورت نمی‌توان در مقدمات برهان از اعراض غریب استفاده کرد؛ زیرا اعراض غریب هیچ‌گونه علیتی برای عوارض ذاتی در آن علوم ندارند. بنابراین، می‌توان گفت شرایطی که در مقدمات برهان ذکر شده، در یک وزن نیست. هدف اصلی از بیان این شروط آن است که با تحصیل آنها، یقین منطقی فراهم آید. تنها شرط اصلی برای این امر آن است که مقدمات برهان ضرورت در صدق داشته باشند. لازمه این شرط آن است که مقدمات برهان دوام و کلیت داشته باشند؛ اما ذاتی بودن آنها به این دلیل است که در علوم برهانی از عوارض ذاتی موضوع علم بحث می‌شود. بنابراین، شروطی که در مقدمات برهان اخذ شده است، بر دو قسم‌اند: برخی از آنها (ضرورت، دوام و کلیت^۱) فقط مربوط به برهان بودن برهان است؛ اما برخی دیگر (ذاتی بودن) به گونه‌ای با عبارات عقلا گره خورده است؛ یعنی از آنجاکه در علوم برهانی از

۱. منظور از کلیت در اینجا همان‌گونه که مرحوم علامه فرموده است کلیت در صدق می‌باشد، اما بنا بر تفسیری که شیخ الرئیس در برهان شفا از کلیت ارائه کرده است کلی بودن مقدمات برهان بر سه رکن استوار است: ۱. کلیت افرادی ۲. کلیت ازمائی ۳. اولی بودن. روشن است که کلیت به این معنا شرط تمامی مقدمات برهان نیست، بلکه مخصوص مقدمات علوم برهانی است. در علوم برهانی، کلیت افرادی لازم است؛ زیرا بحث از قضایای شخصی و جزئی در این علوم بی‌فایده یا کم‌ثمر است. کلیت ازمائی نیز همچنانکه در متن توضیح دادیم لازمه تحصیل ضرورت در صدق است. اولی بودن نیز برای آن است که از مرز ماهوی علم خارج نشویم و از عوارض مختص به موضوع علم بحث کنیم.

عوارض ذاتی بحث می‌شود، برای تحصیل یقین منطقی در این شرایط باید مقدمات برهان ذاتی باشند؛ اما اگر در این علوم از عوارض غریب نیز بحث می‌شد، دلیلی برای اخذ این شرط در مقدمات برهان نبود.

۲-۳. بررسی دیدگاه علامه

با توجه به تبیین ارائه‌شده از کلام صاحب‌نظران منطق، ضمن نکاتی به بررسی کلام علامه می‌پردازیم:

۱. مرحوم علامه ذاتی بودن مقدمات برهان را برای تحصیل یقین منطقی لازم می‌داند و پیوندی وثیق میان این شرط و بحث از عوارض ذاتی در علوم برهانی برقرار می‌کند؛ لیکن همان‌گونه که توضیح دادیم، هرچند ذاتی بودن مقدمات برهان برای تحصیل یقین منطقی است، برهان بودن برهان به‌تنهایی مقتضی این شرط نیست، بلکه این شرط به دلیل اعتباری است که از ناحیه عقلا درباره مسائل علوم برهانی صورت گرفته است. بنابراین، با تأمل در کلمات صاحب‌نظران منطق روشن می‌شود بحث ذاتی در مقدمات برهان متأثر از آن است که در علوم برهانی از عوارض موضوع علم بحث می‌شود. حال اگر ملاکی دیگر در تمایز و طبقه‌بندی علوم برگزینیم، لزومی به اخذ این شرط در مقدمات برهان نداریم؛ یعنی می‌توان در علوم برهانی از محمول‌هایی بحث کرد که اعم از موضوع هستند یا با واسطه اعم بر آن حمل می‌شوند، و این منافاتی با تحصیل یقین منطقی ندارد؛ لیکن مرحوم علامه تمامی این موارد را به طور مستقیم با تحصیل یقین منطقی گره زده است. علامه ذاتی بودن مقدمات برهان و بحث از عوارض ذاتی را در علوم برهانی در یک راستا طرح کرده است؛ حال آنکه نگارنده معتقد است دیدگاه صحیح در این باره، کلام صاحب‌نظران منطق است که بحث از ذاتی بودن مقدمات برهان، متأثر و متأخر از اشتراطی است که در بحث عوارض ذاتی

در علوم برهانی شده است.

۲. مرحوم علامه افزون بر ضروری بودن مقدمات برهان، ذاتی بودن آنها را نیز شرط کرده است؛ حال آنکه ضروری بودن به تنهایی توان تحصیل یقین منطقی را در مقدمات برهان ضمانت می‌کند و با وجود این شرط، نیازی به شرط ذاتی بودن مقدمات برهان نیست. تنها توجیهی که می‌توان در این باره ارائه کرد آن است که این شرط (ذاتی بودن) برای تحقق ضرورت صدق در مقدمات برهان است. به عبارت دیگر، هرگاه مقدمات برهان ذاتی باشند، کاشف از آن است که ضرورت صدق دارند؛ لیکن با توجه به تقسیمی که درباره شروط برهان ذکر کردیم، مشخص شد که صاحب نظران منطق، ذاتی بودن مقدمات برهان را به تناسب بحث از عوارض ذاتی در علوم برهانی اخذ کرده‌اند؛ یعنی از آنجاکه در علوم برهانی از عوارض ذاتی بحث می‌شود، محمولات مقدمات برهان نیز باید ذاتی موضوعاتشان باشند.

۳. علامه محمولی را ذاتی می‌داند که با وضع موضوع، وضع و با رفع آن مرتفع گردد. به نظر می‌رسد این کلام دارای اشکال است؛ چراکه برای تحصیل یقین منطقی باید با وضع موضوع، محمول ثابت گردد؛ اما اینکه با رفع موضوع، محمول مرتفع گردد، به چه دلیل است؟ مرحوم علامه می‌فرماید: اگر محمول با رفع موضوع، وضع شود، نشانه آن است که علت واقعی برای حمل محمول بر موضوع چیز دیگری بوده و ذکر آن موضوع خاص در جانب موضوع لغو بوده و از لحاظ نفس الامری کاذب است؛ اما این مطلب قابل تأمل است؛ زیرا برای تحصیل یقین منطقی به دنبال علت تصدیق هستیم؛ حال گاهی علت تصدیق همان علت نفس الامری، و گاهی متضمن علت نفس الامری است و در هر دو

صورت، یقین حاصل می‌شود. برای مثال، در قضیه «انسان ماشی است» هرچند علت نفس‌الامری برای حمل ماشی بر انسان، حیوان است، چون انسان مشتمل بر علت نفس‌الامری (حیوان) است، یقین به صدق این گزاره حاصل می‌گردد.

۴. با توجه به مطلبی که در بند ۱ گفتیم، مشخص شد ذاتی بودن مقدمات برهان، ارتباط مستقیم و تامی با برهان ندارد؛ لیکن بر فرض اینکه بحث از عوارض ذاتی مربوط به برهان باشد، به چند مطلب باید توجه کرد:

۴-۱. اگر اکبر اعم از اصغر باشد، می‌توان برای حملش بر موضوع، برهان اقامه کرد؛ زیرا یکی از ذاتیات یک ماهیت، جزء اعم است و با همان جزء اعم می‌توان محمولات اعم را بر یک موضوع حمل کرد؛ بنابراین، نه اعم بودن محمول لطمه‌ای به برهانی بودن استدلال می‌زند، نه واسطه اعم داشتن.

۴-۲. اگر محمول، اخص از موضوع مسئله باشد، نمی‌توان با حد وسط ضرورت‌بخشی آن را بر موضوع حمل کرد؛ زیرا حدود وسطی که به صورت ضروری بر موضوع عام حمل می‌شوند، همگی یا عام‌تر از موضوع و یا در نهایت مساوی با موضوع هستند و چنین حدود وسطی نمی‌توانند ضرورت‌بخش محمولی باشند که اخص از موضوع است؛ اما می‌توان در یک علم بر یکی از تعیینات موضوع، محمولی را حمل کرد که اخص از موضوع علم است. بنابراین، محمولاتی که در یک علم بحث می‌شود، می‌تواند اخص از موضوع علم باشد، اما اینکه خودش را مستقیماً عرض ذاتی به شمار آوریم یا آن را با عدلش به نحو مردد از عوارض ذاتی برشماریم، به برهانی بودن ربطی ندارد.

۳-۳. بررسی دیدگاه استاد مصباح

تبیین استاد مصباح از بحث عوارض ذاتی، همان است که صاحب‌نظران منطق بیان کرده‌اند؛ البته به نظر می‌رسد تحلیل ایشان از اینکه «چرا مقدمات برهان ذاتی

هستند؟» با بیانات دانشوران منطق هماهنگ نیست. در ادامه ابتدا منظور منطق‌دانان را در این باره شفاف می‌کنیم و سپس به بررسی نقدهای ایشان بر کلام علامه می‌پردازیم:

۱. منطق‌دانان ذاتی بودن محمول را در مقدمات برهان به این دلیل شرط کرده‌اند که مقدمات برهان برای نتیجه علیت داشته باشند (خواجه طوسی، ۱۳۷۶: ۳۷۸). استاد مصباح معنای علیت را در کلام شیخ به بین بودن محمول برای موضوع برگرداند؛ اما به نظر می‌رسد این مطلب قابل تأمل است. با توجه به کلمات شیخ مشخص می‌شود منظور از علیت مقدمات برای نتیجه، بین بودن آنها نیست، بلکه طرح علیت در راستای تناسب مقدمات با نتایج (اعراض ذاتیه) و اخراج اعراض غریبه است (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، ج ۳: ۱۲۵).

۲. به نظر می‌رسد نقض‌هایی که استاد مصباح بر کلام علامه وارد کرده، تمام نباشد؛ زیرا:

۱-۲. مطابق با دیدگاه مرحوم علامه، تساوی با دو قائمه که اعم از مثلث است، نمی‌تواند از عوارض ذاتی مثلث باشد، بلکه از عوارض ذاتی موضوعی است که اعم از مثلث می‌باشد. یا اگر بخواهیم تساوی با دو قائمه را از عوارض ذاتی مثلث بدانیم، باید محمول را مقید به حیثیتی کنیم تا از آثار مطلوب و مختص به مثلث باشد. بنابراین، علامه نیز از تساوی دو قائمه در علم هندسه بحث می‌کند؛ لیکن آن را از عوارض ذاتی مثلث نمی‌داند.

۲-۲. بنا بر دیدگاه علامه، محمول‌هایی که اخص از موضوع علم هستند، به همراه مقابل‌هایشان بر موضوع علم حمل می‌شوند. حال اگر دلیل ایشان در این باره تمام باشد، تکلفی در مقام وجود ندارد. همچنین بحث از علت‌های

چهارگانه به همراه قسیمشان که بحث از معالیل است، مساوی با موضوع فلسفه (وجود) است. بنابراین، این مثال نیز نقضی را متوجه کلام علامه نمی‌کند.

۲-۳. استاد مصباح می‌فرماید: از آنجاکه رابطه موضوع علم با موضوعات مسائل، گاه به صورت کل و جزء است، می‌تواند عوارض ذاتی در علوم مساوی با موضوع علم نباشند؛ لیکن ممکن است مرحوم علامه از این اشکال چنین پاسخ گوید که هرگاه رابطه موضوع علم و موضوعات مسائل به صورت کل و جزء باشد، عوارض ذاتی موضوع علم، مجموعه‌ای از محمولات است که بر اجزاء حمل می‌شود. بنابراین، در جایی که بین موضوع علم و موضوعات مسائل رابطه کلی و جزئی باشد، محمولات مسائل به صورت مجدد بر موضوع علم حمل می‌شوند؛ اما در جایی که رابطه آنها به صورت کل و جزء باشد، به صورت یک مجموعه بر موضوع علم حمل می‌شوند. البته این در صورتی است که کل چیزی جز مجموع اجزاء نباشد؛ اما اگر از مجموع اجزاء هیئت اجتماعی برای کل شکل گیرد، به نظر می‌رسد اشکال استاد مصباح وارد باشد.

نتیجه‌گیری

۱. مرحوم علامه بحث از عوارض ذاتی را در علوم برهانی، بر اصطلاح و اعتبار صرف مبتنی ندانسته، بلکه آن را مقتضای برهان در آن علوم می‌داند. ایشان ذاتی بودن مقدمات برهان و بحث از عوارض ذاتی را در یک راستا تحلیل کرده، آن را برای دستیابی به یقین منطقی ضروری برمی‌شمارد.
۲. اعراض ذاتی از دیدگاه علامه با موضوع علم مساوی بوده، بدون هیچ واسطه‌ای بر آن حمل می‌شوند؛ چراکه در غیراین صورت، یقین منطقی حاصل نمی‌شود.

۳. استاد مصباح بین ذاتی بودن مقدمات برهان و بحث از عوارض ذاتی تفکیک کرده، معتقد است بحث از عوارض ذاتی مبتنی بر اعتبارات عقلا و برای تمایز و طبقه‌بندی علوم شکل گرفته است.
۴. استاد مصباح تساوی عرضی ذاتی را با موضوع علم دارای اشکال نقضی می‌داند. ایشان اخص نبودن عرضی ذاتی را از موضوع مسئله موجه دانسته، ولی معتقد است عرضی ذاتی می‌تواند اخص از موضوع علم باشد.
۵. بنا بر دیدگاه مرحوم علامه، محمولی ذاتی است که با وضع موضوع، ثابت باشد و با رفع آن مرتفع گردد؛ لیکن به نظر می‌رسد برای تحصیل یقین منطقی، هرچند باید با وضع موضوع، محمول ثابت باشد، اینکه حتماً با رفع موضوع، محمول مرتفع گردد، دلیلی ندارد.
۶. هرگاه محمول، اخص از موضوع مسئله باشد، نمی‌توان به صورت ضروری آن را بر موضوع حمل کرد؛ اما در یک علم می‌توان بر یکی از تعینات موضوع، محمولی را حمل کرد که اخص از موضوع علم است.
۷. علامه معتقد است هرگاه محمول در مقدمات برهان اعم باشد یا واسطه اعم داشته باشد، یقین منطقی حاصل نمی‌شود؛ لیکن از آنجاکه یکی از ذاتیات ماهیت جزء اعم است، به واسطه جزء اعم می‌توان محمولات اعم را به صورت ضروری ثابت کرد.
۸. استاد مصباح مراد از ذاتی بودن مقدمات برهان را بین بودن آنها دانسته است؛ لیکن با توجه به کلمات منطق‌دانان مشخص می‌شود ذاتی بودن مقدمات برهان متأثر از بحث عوارض ذاتی در علوم برهانی است؛ یعنی از آنجاکه در علوم برهانی از عوارض ذاتی بحث می‌کنند، محمول در مقدمات برهان نیز باید از

عوارض ذاتی موضوع علم باشد تا متناسب با نتیجه بوده، برای تحصیل آن علیت داشته باشد.

۹. صاحب نظران منطق برای اعراض ذاتی دو شرط اقتضاء و اختصاص را مطرح کرده‌اند. از دیدگاه آنها، هدف اصلی از طرح عوارض ذاتی آن است که در هر علمی از آثار مطلوب همان علم بحث شود. همچنین از دیدگاه آنان، بحث از ذاتی بودن مقدمات برهان متأثر از آن است که در علوم برهانی از عوارض ذاتی موضوع علم بحث می‌شود. حال اگر ملاک دیگری در طبقه‌بندی علوم ارائه دهیم، لزومی به اخذ این شرط در مقدمات برهان وجود ندارد.

۱۰. نگارنده معتقد است اولاً، شرط ذاتی در مقدمات برهان متأثر از اشتراطی است که در بحث عوارض ذاتی صورت گرفته است؛ حال آنکه مرحوم علامه مسیر را بر عکس تحلیل کرده است؛ یعنی از ذاتی بودن مقدمات برهان به تحلیل عوارض ذاتی پرداخته است. ثانیاً، بر فرض اینکه بحث از اعراض ذاتی مربوط به برهان باشد، باز هم کلام علامه دچار اشکال است؛ زیرا اعم بودن محمول یا واسطه اعم، ضروری به برهانی بودن استدلال وارد نمی‌سازد.

منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۸۳)، *الاشارات و التنبيهات، الشرح لنصيرالدين محمد بن محمد بن الحسن الطوسی و شرح الشرح لقطب‌الدين محمد بن محمد بن أبي جعفر الرازي، قم: نشر البلاغة، چاپ اول.*
- _____ (۱۴۰۴ق)، *الشفاء (المنطق)، تحقيق الاب قنواتي و سعيد زايد، قم: مكتبة آية‌الله المرعشي، چاپ اول.*
- _____ (۱۳۶۴)، *النجاة من العرق في بحر الضلالات، تصحيح محمدتقي دانش‌پژوه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.*
- ارسطو (۱۳۶۶)، *منافيزيك، ترجمه شرف، تهران: نشر گفتار.*
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، *رحیق مختوم، تنظيم و تدوين حميد پارسانيا، قم: اسراء، چاپ سوم.*
- سلیمانی امیری، عسکری (۱۳۸۸)، *منطق و شناخت‌شناسی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.*
- صدرالمآلهین، صدرالدين شیرازی (۱۹۸۱م)، *الحكمة المتعالية في الاسفار العقلية الاربعة، بيروت: داراحياء التراث العربي، چاپ سوم.*
- _____ (۱۳۸۲)، *الشواهد الربوبية، با حواشی ملاحادی سبزواری، تصحيح و تعليق سيد جلال‌الدين آشتياني، قم: انتشارات بوستان کتاب، چاپ سوم.*
- _____ (بی‌تا)، *الحاشية على الهيات الشفاء، قم: بیدار، چاپ اول.*
- طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۱)، *برهان، ترجمه، تصحيح و تعليق مهدي قوام صفري، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.*
- _____ (۱۳۶۸)، *حاشية الكفاية، قم: بنياد علمی فکری علامه طباطبائی، چاپ اول.*
- طوسی، خواجه نصیرالدين (۱۳۷۶) / *اساس الاقتباس، تصحيح محمدتقي مدرس رضوي، تهران: دانشگاه تهران، چاپ پنجم.*

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۴۰۵ق)، *تعلیقه علی نهائیه الحکمه*، قم: انتشارات در راه حق، چاپ اول.

- _____ (۱۳۸۶)، *شرح برهان شفا*، تحقیق و نگارش محسن غرویان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ اول.